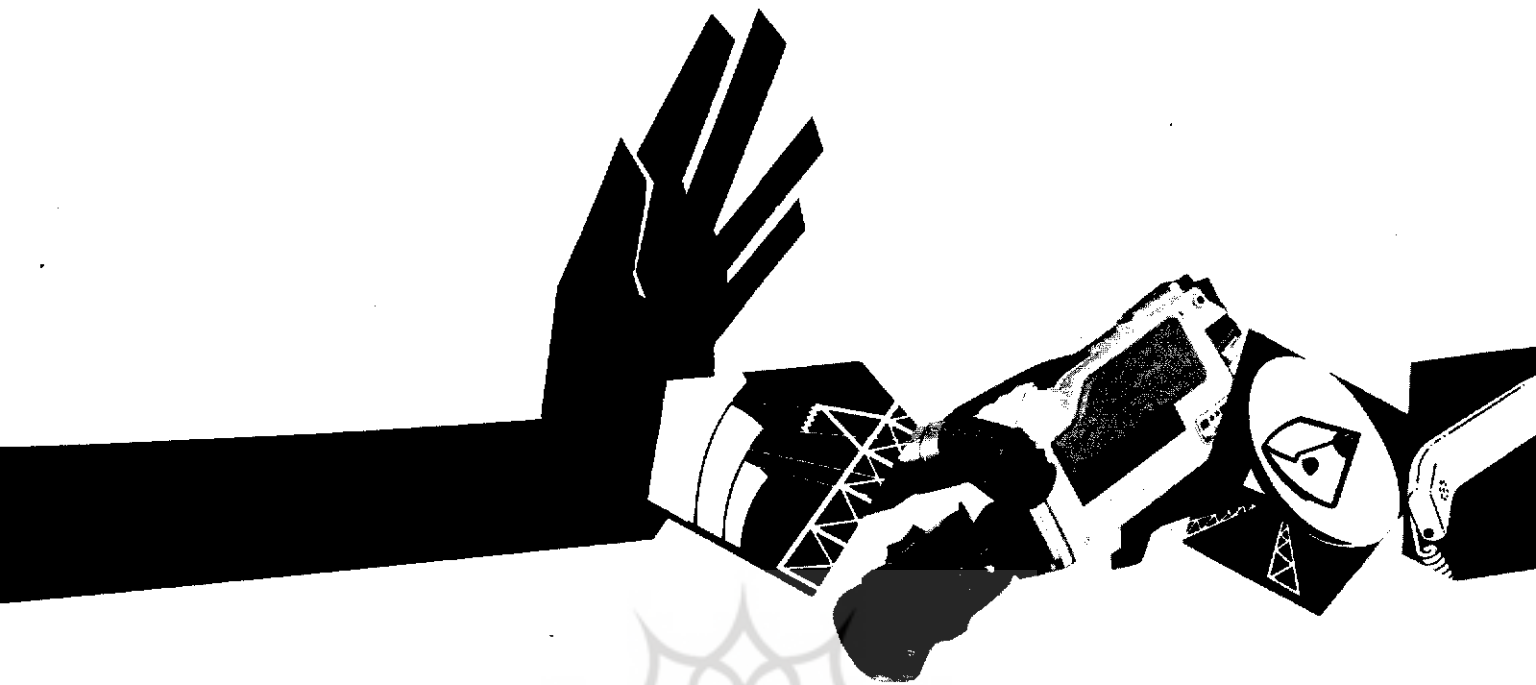


موضوع واحد در وسایل ارتباط جمعی

مشاهیر درمی آید، نوار و صدای ضبط شده او از چهل ایستگاه رادیویی درجه اول شرکت پخش می شود. سرانجام این فیلم توسط بخش ویدئو کاست شرکت پخش می گردد و در ایستگاههای تلویزیونی آن به نمایش در می آید. بعد از آن حق استفاده مجدد از فیلم در سراسر دنیا به سایر ایستگاههای تلویزیونی فروخته می شود. و همه اینها با انتشار مقالهای در نشریه شرکت شروع شده بود. چرا که سردبیری که آن را برگزیده بود، تشخیص داده بود که می تواند عواید دیگری هم برای شرکت داشته باشد. در ضمن امکان سرمایه گذاری سخاوتمندانهای در اختیار سردبیر قرار می گیرد. هر سردبیر تولید کننده دیگری نیز در مجله این امکان را پیدا می کند. رؤیای مذکور به اصطلاحی (ترکیب و هم آمیزی) که نزد مهندسان و کارشناسان ادغام شرکتها در وال استریت مصرف فراوان دارد، همانا ایجاد یک شرکت عمده بزرگتر از مجموع شرکتهای کوچک تشکیل دهنده آن است. همچنان که «لی ایزگر» تحلیلگر وسایل ارتباط جمعی در مؤسسه «پاین ویر» اظهار کرد: «مؤسسه های خوب باید به صورت یکپارچه خرید آیند.» اخیراً استودیوهای بزرگ، هالیوود با این اندرز را پذیرفته اند. این امر به آنها تضمین می دهد که کلیه فیلمهای آنها به نمایش در خواهد آمد. «دیوان عالی» در سال ۱۹۴۸ اعلام کرد که مالکیت همزمان استودیو و تئاتر انحصاری، قانونی نمی شناسد و بدین وسیله

شرکت های بزرگ ارتباطی به هیچ وجه مایل نیستند سیستمهای خود را به روی خبرنگاران، مؤلفان، درام نویسان، موسیقی دانان و دیگر گروه های شهروند بگشایند، بلکه سعی می کنند آنها را از عقاید و افکار بیگانگانی که دارای طرز فکر ویژه ای هستند، دور نگاه دارند. استراتژی آنها کنترل تام و تمام است. آنها هر وسیله انتقالی (چاپ، پخش رادیویی، فیلم و غیره) را که تا حد امکان می خردند و در اختیار خود می گیرند و بیشتر سعی می کنند از مطالبی که از آن خود آنهاست، استفاده کنند تا از مطالب سخن پراکنیهای تولیدی مستقل. آنان سپس آن مطالب را در قالبهای خاص وسایل ارتباطی متعددی که در اختیار دارند، می ریزند. هر گونه وسیله ارتباطی نظیر سردمداران رسانه های گروهی را به سوی خود جلب می کند: شرکت های بزرگ در زمینه هر یک از وسایل ارتباطی دارای شرکت های فرعی هستند. یکی از مجلات «شرکت بزرگ»، مقالهای را که می تواند بسط پیدا کرده و به صورت کتابی در آید، خریداری می کند و یا هزینه تهیه آن را می پردازد. نویسنده آن در همه مجلات و ایستگاههای پخش شرکت، مورد مصاحبه قرار می گیرد، کتاب برای استودیوهای فیلمبرداری تبدیل به سناریو می شود و این فیلم خود به خود برای نمایش در زنجیره سینمایی شرکت در نوبت می نشیند. فیلم دارای یک نوار صداست، این نوار با مارک شرکت به بازار می آید. خواننده یا گوینده به کمک عناوین روی جلد مجلات و مصاحبه هایی که در ایستگاههای تلویزیونی شرکت با وی انجام می شود، در سلک

آزادی واقعی اطلاعات، مستلزم سه شرط است: وجود فرصت خواندن و دیدن آنچه در دسترس است، وجود منابع متنوع که بتوان از بین آنها دست به گزینش زد و وجود سیستم وسایل ارتباطی که بتوان از طریق آن ارتباط کسسانی را که مشتاق دسترسی به هموطنان خود هستند، فراهم ساخت. معمولاً اولین شرط در کشورهای دموکراتیک برقرار است، اما غولهای وسایل ارتباطی با دردست گرفتن هر چه بیشتر شرکت هایی که زمانی مستقل به حساب می آمدند، به طور فزاینده امکان تحقق دو شرط دیگر را کاهش می دهند. غولهای جدید از هر آنچه سود را به حداکثر برساند استقبال می کنند، اما مانند نظامهای دیکتاتوری دیگر آماده اند از پخش هر گونه مطلب و یا سرگرمی که قدرت آنها را به طور جدی مورد پرسش قرار دهد، جلوگیری کنند یا از اهمیت آن بکاهند.



استودیوهای فیلمبرداری را وادار کرد از مالکیت تئاترهای خود دست بشویند. این اقدام با دادن امکان ارائه فیلمهای خارجی و مستقل به آنها، جان تازه‌ای به سینماهای آمریکایی بخشید. اما اکنون ما دیوان عالی متناوب و دیوان دادگستری دیگری داریم وقانونهای «ضد تراست» لغو شده است.

شرکتهای ضبط تا آن اندازه که توانستند، برای خود در مورد آرشیوهای ضبط و موسیقی و «گامپکت دیسک»، امتیازات انحصاری گرفته‌اند. سال گذشته (۱۹۸۸) پس از آن که شرکت «سونی»، «سی. بی. اس رکورد» را خرید، شرکتی را نیز خریداری کرد که دارای امتیاز انحصاری ضبط و پخش حدود ۳۵۰۰۰ قطعه آواز بود^(۱). «سایمون اندشوستر» دارای بخشی است که در تبلیغ مجموعه کتابهای «استار- ترک» فعال است. علاوه براین، این بخش در خدمت فیلمهای «استار- ترک» صادره از طرف شعبه دیگر «گلفب و سترن» به نام «پارامونت پیکچرز» می‌باشد. وقتی «روبرت مرداک» کانال ماهوارهای خود را که سراسر اروپا را می‌پوشاند افتتاح کرد، اخبار آن عمدتاً از اخبار نشریه‌های وی در لندن متأثر بود. فیلمهایی که در استودیوهای فیلمبرداری «فیوکس قرن بیستم» ساخته می‌شود، به طور مرتب در ایستگاههای تلویزیونی فاکس نیز به نمایش درمی‌آید.

از زمان ظهور مالکیت‌های بزرگ، از پدیده‌های رو به رشد در صنعت کتاب، تأکید برانتشار کتابهایی است که قابلیت فروش «انفجاری»

دارند، یعنی کتابهایی که خاصیت فروش سریع و انبوه و گرفتن اجازه تجدید چاپ و نیز اجازه یافتن برای استفاده از آن در سینما، تلویزیون و نیز ضبط به صورت نوار کاست را دارا می‌باشند. در نتیجه در فروش کتابهایی که در لیست کتابهای به اصطلاح متوسط قرار دارند و کمتر واجد امکان سوددهی در ابعاد وسیع هستند و درعین حال جزو آثار خوب تخیلی و غیرتخیلی محسوب می‌شوند، کاهش روی داده است. پس از اینکه شرکت بزرگ «برتلزمان»، «انتشارات دابلزدی» یعنی شرکت متحد شده آلمانی را خرید، این شرکت معاملات خود را با ناشر آمریکایی تا یک سوم کاهش داد. شرکتهای مسلط تا حدود زیادی در محتوای آثار خود متحدالشکل هستند. نوع کتابهایی که «انتشارات سایمون اند شوستر» و «انتشارات گلفب و سترن» نشر می‌دهند، درحقیقت همانهایی است که توسط «انتشارات مکسیلان» به مالکیت «رابرت مکسول» منتشر می‌شود. در واقع سه شبکه تلویزیونی آمریکایی همه روزه اطلاعات و برنامه‌های سرگرم کننده یکنواختی را ارائه می‌کنند و همگی با استفاده از فرمولهای یکسان و انباشته از سکس و خشونت و آگهیهای تجارتي، قصد تشویق میلیونها نفر را برای خرید دارند.

اکنون حتی مجلات علمی و فنی دنیا تا حدود زیادی توسط اربابان وسایل ارتباطی بزرگتر کنترل می‌شوند و «مکسول» و «مرداک» از جمله آنها هستند. بسیاری از معتبرترین جوامع علمی جهان به منظور صرفه جویی یا کسب درآمد بیشتر، حقوق انتشاراتی

خود را به شرکتهای حقوقی فروخته‌اند. افزایش قیمت حاصل شده از این امر برای این منابع بی نظیر دانش جهانی، دانشگاهها و سایر کتابخانهها را وادار کرده تا از تعداد مجلات خریداری شده خود بکاهند (برای مثال، قیمت کتاب «رشد و مراقبت کودک در سالهای اولیه» سال گذشته ۱۴۵ درصد افزایش پیدا کرد). همچنین پایگاههای اطلاعات عمده کامپیوتری توسط چند شرکت بزرگ از جمله زنجیره نشریه «نایت رایه» که سال گذشته برای خرید بزرگ سرویسهای اطلاعاتی «دیالوگ» مبلغ ۳۵۳ میلیون دلار پرداخت، کنترل می‌شود. اکنون این بانک اطلاعات در ۸۹ کشور دردسترس است، حتی اطلاعات دولت آمریکا نیز به سرعت به شرکتهای خصوصی منتقل می‌شود. آنها دولت را زیر فشار می‌گذارند تا مانع شود که آن اطلاعات به رایگان یا ارزان در اختیار شرکتهای قرار گیرد. شرکتهایی که مبالغی ناچیز برای دریافت این اطلاعات می‌پردازند یا آنها را مجانی دریافت می‌کنند، شکایت دارند که قربانیان «رقابت ناعادلانه با سرمایه‌های خصوصی» هستند.

● از: نیشن (۱۲ ژوئن ۱۹۸۹)

● بانوشتها

● بانوشتها

۱- چندی پیش «سونی»، استودیوی فیلمسازی کلمبیا و هالیوود را نیز خریداری کرد.